

تحلیل بحران هویتی مسلمانان و چالش‌های سازگاری زیستی با مخالفان بر اساس آیه ۶ سوره کافرون

----- مجید صادقی مزیدی^۱ و صدیقه مقدمی منفرد^۲

چکیده

بحران هویتی یکی از مسائلی است که مسلمانان در تعامل با مخالفان دینی، فکری و اجتماعی خود در جوامع مختلف با آن مواجه هستند. این بحران نه تنها از تفاوت‌های اعتقادی، بلکه از چالش‌های ناشی از تضاد در ارزش‌ها، هنجارها و سبک‌های زندگی نشأت می‌گیرد. آیه ۶ سوره کافرون، که به جدایی میان مسلمانان و مخالفان ایمان اشاره دارد، مبنای فکری مهمی برای تحلیل این بحران فراهم می‌کند. این پژوهش با رویکرد توصیفی-تحلیلی و بر مبنای داده‌های کتابخانه‌ای، به تفسیر این آیه و بررسی آثار آن بر تعامل مسلمانان با مخالفان خود پرداخته است. هدف این مطالعه، تحلیل چالش‌های سازگاری زیستی مسلمانان در مواجهه با کسانی است که از نظر دینی یا اعتقادی با آن‌ها در تضاد هستند. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که تفسیر آیه ۶ سوره کافرون می‌تواند به عنوان راهی برای درک بهتر مرزهای هویتی مسلمانان در مقابل مخالفان تلقی شود و در عین حال، بر چالش‌های اجتماعی و روان‌شناختی مسلمانان در فرآیند سازگاری با محیط‌های مختلف تأکید دارد. این تحقیق همچنین نشان می‌دهد که درک درست آموزه‌های دینی و تعامل سازگاران با مخالفان می‌تواند به تقویت هویت دینی مسلمانان و کاهش بحران‌های هویتی در جوامع متنوع کمک کند.

واژگان کلیدی: بحران هویت، مسلمانان، چالش‌های سازگاری زیستی، مخالفان، آیه ۶ سوره کافرون.

۶۵

فراز پژوهی

سال دوم / شماره ۸ / تابستان ۱۴۰۲

^۱. استادیار، گروه علوم قرآن، دانشکده علوم قرآنی شیراز، دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم، شیراز، ایران؛ (majid.sm39@yahoo.com).

^۲. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد علوم قرآن، دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم، دانشکده علوم قرآنی شیراز، ایران، (نویسنده مسئول)؛ (smoghaddamimonfared@gmail.com).

مقدمه

بحران هویتی یکی از مسائل پیچیده‌ای است که مسلمانان در تعامل با مخالفان دینی، فکری و اجتماعی خود در جوامع مختلف با آن مواجه هستند. این بحران به‌ویژه در جوامع چندفرهنگی و چنددینی می‌تواند به چالش‌های اجتماعی و روان‌شناختی جدی منجر شود. در چنین جوامعی، تفاوت‌های دینی، فرهنگی و فکری غالباً موجب بروز تضاد در ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی می‌شوند و هویت فردی و جمعی مسلمانان را با چالش‌های عمیقی مواجه می‌کنند.

مسلمانان در تلاش برای حفظ هویت دینی خود، اغلب با دشواری‌هایی در سازگاری با محیط‌های اجتماعی و فرهنگی متفاوت روبه‌رو می‌شوند. این موضوع به‌ویژه در مواجهه با مخالفان دینی و فکری که باورهای متفاوت یا حتی متضاد دارند، آشکارتر می‌شود. آیه ۶ سوره کافرون، که در دوران فشارهای شدید اجتماعی و فرهنگی بر مسلمانان مکه نازل شد، به‌طور خاص به مرزهای دینی و استقلال عقیدتی اشاره دارد. این آیه پیام روشنی از پیامبر اسلام ﷺ به مسلمانان می‌دهد که در برابر فشارهای بیرونی برای کنار گذاشتن یا تغییر باورهای دینی خود مقاومت کنند؛ چراکه ایمان به دین اسلام باید خالصانه و بدون هرگونه سازش با باورهای شرک‌آمیز باشد.

بنابراین، این آیه نه تنها به جدایی میان مسلمانان و مخالفان دینی اشاره دارد، بلکه به‌عنوان مبنای فکری مهمی برای تحلیل چالش‌های هویتی مسلمانان در تعامل با مخالفان، به‌ویژه در جوامع پیچیده و متنوع دینی و فرهنگی، شناخته می‌شود. هدف این پژوهش، تحلیل و بررسی این آیه با تأکید بر تفاسیر آن و تأثیرات آن بر رویکرد مسلمانان در مواجهه با مخالفان دینی و فکری است. این مطالعه به بررسی چالش‌های سازگاری زیستی مسلمانان در مواجهه با مخالفان پرداخته و تأثیرات اجتماعی و روان‌شناختی این بحران هویتی را تحلیل می‌کند. همچنین، نتایج این پژوهش به روشن‌سازی چگونگی تقویت هویت دینی مسلمانان و کاهش بحران‌های هویتی در جوامع متنوع می‌پردازد. از این‌رو، پژوهش حاضر در پی پاسخ به پرسش‌های زیر است:

۱. آیه ۶ سوره کافرون چگونه به مرزهای هویتی مسلمانان در مواجهه با مخالفان دینی اشاره دارد؟
۲. چه چالش‌های اجتماعی و روان‌شناختی، مسلمانان را در سازگاری با مخالفان دینی تهدید می‌کند؟
۳. مسلمانان چگونه می‌توانند هویت دینی خود را در جوامع متنوع تقویت کنند؟

پاسخ به این پرسش‌ها می‌تواند به روشن‌سازی مرزهای هویتی مسلمانان در تعامل با مخالفان دینی و فکری کمک کند و راهکارهایی برای کاهش بحران‌های هویتی و تقویت هویت دینی آن‌ها در جوامع مختلف ارائه دهد. همچنین، تحلیل چالش‌های سازگاری اجتماعی و روان‌شناختی مسلمانان در این فرآیند، به فهم بهتر روابط میان گروه‌های دینی مختلف و تسهیل همزیستی مسالمت‌آمیز در جوامع متنوع کمک خواهد کرد. از این رو، پژوهش حاضر تلاش دارد تا تأثیرات آیه ۶ سوره کافرون را در شکل‌گیری و حفظ هویت دینی مسلمانان در دنیای امروز بررسی کند. نتایج این مطالعه می‌تواند راهگشای مباحث فرهنگی و اجتماعی در جوامع معاصر باشد.

الف. بحران هویتی مسلمانان زمان نزول آیه

هویت مجموعه‌ای از معانی است که شیوه «چگونه بودن» فرد در نقش‌های اجتماعی را شکل می‌دهد و وضعیتی است که به او می‌گوید «کیست»؛ این معانی، مرجع تعیین‌کننده کیستی فرد را تشکیل می‌دهند (خانیکی، ۱۳۸۳، ج ۱، ص ۷).

هویت دینی، به‌عنوان یکی از مهم‌ترین زیرشاخه‌های هویت، سطحی از دینداری را دربرمی‌گیرد که با «مای جمعی» یا همان اجتماع دینی پیوند خورده است. این هویت، نشان‌دهنده احساس تعلق عمیق به دین و جامعه دینی است و در واقع، آثار و عوارض ناشی از پذیرش دین توسط فرد محسوب می‌شود. به عبارت دیگر، با انتخاب دین به‌عنوان اصل اعتقادی و ایجاد تعهد و تعلق خاطر به آن، تغییرات معناداری در ابعاد مختلف زندگی فرد پرهیزگار پدید می‌آید که ماهیت هویت دینی را شکل می‌دهد (چیت‌ساز قمی، ۱۳۸۳، ج ۱، ص ۱۹۶).

در دوران نزول سوره کافرون، مسلمانان با بحران‌های هویتی متعددی روبه‌رو بودند که ریشه در فشارهای اجتماعی، فرهنگی و سیاسی جامعه مکه داشت. تقابل با فرهنگ حاکم و باورهای شرک‌آمیز قریش، هویت دینی مسلمانان را در موقعیتی آسیب‌پذیر قرار داده بود. فشارهای گسترده اجتماعی و اقتصادی از سوی قریش، که با هدف وادار کردن مسلمانان به ترک دینشان اعمال می‌شد، نه تنها به نابرابری‌های اجتماعی دامن می‌زد، بلکه موجودیت دینی آنان را نیز به‌طور جدی تهدید می‌کرد.

ب. اصول همزیستی در اسلام

صلح و همزیستی مسالمت‌آمیز انسان‌ها با عقاید و مذاهب گوناگون، از ارزش‌ها و اهداف اسلام به‌شمار می‌رود (کریمی‌نیا، ۱۳۸۲، ص ۹۳). در این راستا، اسلام بر رعایت حقوق تمامی انسان‌ها، فارغ از عقیده، نژاد یا موقعیت اجتماعی تأکید کرده و تنها استثنای این اصل را محارب‌ان و متجاوزان

به حقوق دیگران دانسته است (عبدالحمیدی، ۱۳۹۱، ص ۲۱۴). بر این اساس، اسلام رابطه با دیگران را بر پایه سازش و امنیت استوار نموده (کعبی، ۱۳۹۶، ص ۳۶) و هرگونه تجاوز به جان، آبرو و مال افراد را حرام شمرده تا جامعه در آرامش و امنیت زندگی کند (کعبی، ۱۳۹۶، ص ۴۰).

از مصادیق همزیستی مسالمت آمیز در اسلام، می توان به تساوی و برابری انسان ها (مسترحمی و تقدسی، ۱۳۹۶، ص ۱۴)، به رسمیت شناختن پیامبران دیگر ادیان، مبارزه با اندیشه های برتری جویانه (همان، ص ۲۰ و ۲۳)، گفت و گو با مخالفان، دعوت به مشترکات، آزادی مذهب و عقیده، احترام به کرامت ذاتی انسان، و تأکید بر صلح، عدالت و احسان با مخالفان اشاره کرد (موحدی ساوجی، ۱۳۹۳، ص ۱۳۳). این آموزه ها به وضوح در آیات قرآن نیز بازتاب یافته اند؛ چنانکه در آیه ۸ سوره ممتحنه، یکی از اصول مهم همزیستی دینی این گونه بیان شده است: «لَا يَنْهَاكُمُ اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ لَمْ يُقَاتِلُوكُمْ فِي الدِّينِ وَلَمْ يُخْرِجُوكُمْ مِّنْ دِيَارِكُمْ أَن تَبَرُّوهُمْ وَتُقْسِطُوا إِلَيْهِمْ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ»؛ «خدا شما را از نیکی کردن و رعایت عدالت با کسانی که در راه دین با شما نجنگیده اند و شما را از خانه هایتان بیرون نکرده اند، باز نمی دارد؛ زیرا خداوند عدالت پیشگان را دوست دارد».

بر اساس آیه ۸ سوره ممتحنه، غیر مسلمانان به دو گروه تقسیم می شوند:

۱. گروه متجاوز: کسانی که با مسلمانان به دشمنی برخاسته اند و به آنان حمله کرده اند. در برابر این گروه، اسلام هرگونه ارتباط مثبت را منع کرده و مقابله دفاعی را تجویز می نماید.
۲. گروه مسالمت جو: کسانی که اگرچه ممکن است بر عقیده دیگری باشند، اما با مسلمانان نجنگیده اند و حقوق آنان را نقض نکرده اند. اسلام رفتار نیک و عادلانه با این گروه را نه تنها جایز، بلکه پسندیده می داند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۲۴، ص ۳۱).

صلح و زندگی مسالمت آمیز میان انسان ها، به ویژه در آموزه های پیامبر اسلام ﷺ، جایگاهی محوری دارد (جعفری و پاینده، ۱۳۹۵، ص ۱۵۱). نمونه های تاریخی این رویکرد عبارتند از:

- مدارا با مخالفان: پیامبر ﷺ همواره بر رفتار نیکو با مخالفان تأکید داشتند (امینی، ۱۳۹۰، ص ۴۹).
- دعوت به وحدت: ایشان پیروان ادیان توحیدی را به همگرایی و اشتراکات دینی فراخواندند (منتظری، ۱۳۸۵، ص ۶۶۷).

- رفتار با اهل کتاب: سنت پیامبر ﷺ در قبال اهل کتاب شامل حمایت از آنان در برابر تجاوزات، اجازه ازدواج با زنان پاکدامن آنان، حق اقامت و کار، پذیرش شهادت، احترام متقابل، عیادت از بیماران، نیکی به همسایگان غیرمسلمان، و تأمین عدالت اجتماعی برای ذمی‌ها بود (کریمی‌نیا، ۱۳۸۲، ص ۹۷).

شهید مطهری با تفکیک میان مشرکان و پیروان ادیان آسمانی (یهود، مسیحیان، زرتشتیان)، موضع اسلام را این‌گونه تبیین می‌کنند:

- عدم همزیستی با مشرکان: اسلام همکاری با مشرکان را در چارچوب ارزش‌های توحیدی نمی‌پذیرد.

- همزیستی با اهل کتاب: اسلام به پیروان ادیان آسمانی اجازه می‌دهد با حفظ دین خود، در پناه حکومت اسلامی زندگی کنند و از حقوق مدنی برخوردار باشند، مشروط به رعایت قوانین جامعه. همچنین، تبلیغ اسلام میان آنان نه تنها مجاز، بلکه یک وظیفه دینی است (مطهری، ۱۳۸۹، ج ۲۸، ص ۸۰۳).

ج. دیدگاه مفسران در تفسیر آیه ۶ سوره کافرون

طبری در تفسیر «لَكُمْ دِينُكُمْ وَلِيَ دِينِ» بیان می‌کند که این آیه نشانگر قاطعیت کامل اسلام در پذیرش توحید و نفی هرگونه شرک است. وی معتقد است هرچند این آیه به ظاهر احترام به انتخاب دیگران را نشان می‌دهد، اما در باطن تأکیدی است بر عدم سازش در اصول بنیادین ایمان اسلامی. به باور او، مشرکان نیز به سبب اراده الهی و قضاوت پیشینی، در باورهای خود باقی خواهند ماند؛ چراکه «مهر الهی» بر قلب‌هایشان خورده و تا پایان عمر بر همان عقیده می‌میرند. بنابراین، این آیه مرزبندی آشکاری میان اسلام به عنوان دین توحیدی و اعتقادات شرک‌آمیز ترسیم کرده و هرگونه همزیستی یا تغییر در باورهای دو طرف را ناممکن می‌داند (طبری، ۱۴۱۲، ج ۳۰، ص ۳۱۴).

فخر رازی با طرح چندین برداشت از این آیه، نخست به روایتی از ابن عباس استناد می‌کند که می‌گوید: «مقصود آیه این است: برای شما کفر به خداست و برای من توحید و اخلاص در پرستش (او)».

وی این عبارت را نوعی تهدید مشرکان می‌داند و برای تأیید نظر خود به آیه ۴۰ سوره فصلت اشاره می‌کند: «إِنَّ الَّذِينَ يُلْحِدُونَ فِي آيَاتِنَا لَا يَخْفَوْنَ عَلَيْنَا أَمَّا الَّذِينَ يَتْلُونَ كِتَابَ اللَّهِ وَأُمَّنُوا بِهِ لَا يَتْلُونَ كِتَابَهُمْ كِتَابًا مِّنْ دُونِ اللَّهِ وَلَا يَأْتِيهِمْ آيَاتُ اللَّهِ فَجَعَلْنَا قُلُوبَهُمْ قَاسٍ يَتْلُونَ كِتَابَهُمْ كَمَا تَلُونَ كِتَابَ اللَّهِ وَلَئِن يَرَوْا كِسْفًا مِّنَ السَّمَاءِ سَاقِطَةً فَلَتَوَلَّوْا كِبْرًا وَهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ».

الْقِيَامَةِ اَعْمَلُوا مَا شِئْتُمْ إِنَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ»؛ «کسانی که در آیات ما انحراف می‌ورزند، بر ما پنهان نیستند. آیا کسی که به آتش افکنده می‌شود بهتر است یا کسی که روز قیامت در امنیت می‌آید؟ هر چه می‌خواهید انجام دهید، او به کارهایتان بیناست».

برداشت دوم: فخر رازی درخواست جدایی میان مؤمنان و کافران است. به این معنا که پیامبر ﷺ از مشرکان می‌خواهد اگر به دعوت او ایمان نمی‌آورند، دست کم او را در تبلیغ دینش آزاد بگذارند و مانع نشوند.

برداشت سوم: وی «دین» را به معنای حسابرسی و پاداش اخروی تفسیر می‌کند. این نگاه بر عدالت الهی و مسئولیت فردی در قبال اعمال تأکید دارد؛ بدین معنا که هرکس نتیجه ایمان یا شرک خویش را در روز قیامت خواهد دید.

برداشت چهارم: دین به معنای مجازات الهی: بر اساس آیه ۲ سوره نور: «...وَلَا تَأْخُذْكُمْ بِهِمَا رَأْفَةٌ فِي دِينِ اللَّهِ...» (و نباید رأفت [و دلسوزی] نسبت به آن دو، شما را از اجرای دین خدا بازدارد)، می‌توان دین را در اینجا به معنای «مجازات الهی» تفسیر کرد. این آیه به طنز اشاره می‌کند که مجازات کافران از سوی خداوند است، در حالی که بت‌ها - که جمادات بی‌جان هستند - هیچ توانایی برای مجازات ندارند. بنابراین، کافران باید از عذاب الهی بترسند، نه از مجازات خیالی بت‌ها.

برداشت پنجم: دین به معنای دعا و عبادت: بر اساس تفسیر ارائه شده، دین در این آیه به معنای دعا و عبادت خالصانه در نظر گرفته شده است. این مفهوم با استناد به آیات متعددی از قرآن تأیید می‌شود: «خدا را بخوانید در حالی که او را از روی اخلاص عبادت می‌کنید» (رعد: ۱۴)؛ «برای شما دعایتایان است، و دعای کافران جز در گمراهی نیست» (فاطر: ۱۴)؛ «اگر آنان را بخوانید، دعایتایان را نمی‌شنوند و اگر بشنوند، پاسخی نمی‌دهند» (فاطر: ۱۴).

در این تفسیر، آرزوی مؤمنان این است که کافران در همین حالت باقی بمانند و به آنان آسیبی نرسانند، اما در روز قیامت، حقیقت آشکار خواهد شد و کافران به شرک خود اعتراف خواهند کرد. در مقابل، خداوند وعده داده است که دعای مؤمنان را اجابت می‌کند: «و کسانی که ایمان آوردند، پاسخ می‌دهند» (شوری: ۲۶)؛ «مرا بخوانید، تا شما را اجابت کنم» (غافر: ۶۰)؛ «دعای دعاکننده را اجابت می‌کنم وقتی مرا بخواند» (بقره: ۱۸۶).

برداشت ششم: دین به معنای عادات فرهنگی و رفتاری: برخی مفسران مانند فخر رازی (۱۴۲۰، ج ۳۲، ص ۳۳۲)، دین را در اینجا به معنای عادات فرهنگی و رفتاری تفسیر کرده‌اند. این تفسیر

نشان‌دهنده تمایز آشکار بین فرهنگ و ارزش‌های کافران و مؤمنان است. به عبارت دیگر، دین در اینجا نه تنها به عنوان یک نظام اعتقادی، بلکه به عنوان مجموعه‌ای از رفتارها و سنت‌های اجتماعی نیز در نظر گرفته می‌شود.

علامه طباطبایی (ره) در تفسیر آیه ۶ سوره کافرون بر این باور است که این آیه تأکیدی بر عدم اشتراک دین پیامبر اسلام ﷺ با دین مشرکان است. وی «لام» در عبارات «لَكُمْ» و «لِي» را به معنای لام اختصاص تفسیر کرده و بیان می‌دارد که دین مشرکان مختص به خودشان و دین پیامبر نیز مختص به اوست، بدون آنکه تجاوزی میان این دو رخ دهد. او اشاره می‌کند که برخی ممکن است تصور کنند این آیه بیانگر آزادی در انتخاب دین یا عدم تعرض به دین مشرکان است. اما وی ضمن رد این برداشت‌ها توضیح می‌دهد که آیه در حقیقت بر عدم پذیرش دین طرفین تأکید می‌ورزد. همچنین، علامه طباطبایی دیدگاه مفسرانی که «دین» را به معنای «جزا» گرفته یا وجود مضاف حذف‌شده را مطرح کرده‌اند، نادرست و دور از فهم می‌داند (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۲۰، ص ۶۴۷).

از این رو، دیدگاه ایشان مبتنی بر این است که آیه به روشنی بر تمایز و مرزبندی آشکار میان حقایق اسلام و باورهای مشرکان دلالت دارد. این آیه به معنای هم‌زیستی یا تساهل مذهبی نیست؛ بلکه اعلان قاطعی از عدم تطابق یا ارتباط میان این دو نظام فکری است. این آیه همچنین از انعطاف‌پذیری یا مدارا با ادیان دیگر حکایت نمی‌کند؛ بلکه بیشتر بر غیرقابل ادغام بودن ایمان اسلامی با شرک تأکید دارد. به نظر می‌رسد که دیدگاه مفسران نشان می‌دهد آیه ۶ سوره کافرون، به جای آنکه به مفهوم مدارا و هم‌زیستی دینی به معنای امروزی پردازد، بر تمایز و جدایی روشن میان دین توحیدی و باورهای شرک‌آمیز تأکید دارد. اسلام پایبند به اصول خود است و هرگز نمی‌پذیرد که با شرک سازگاری یا اشتراک داشته باشد.

از سوی دیگر، این آیه نشان‌دهنده احترام به آزادی انتخاب دین است، اما در چارچوبی که هر گروه با دین خود باقی بماند و در دین دیگری دخالت نکند. تحلیل این آیه و تفاسیر مرتبط با آن نشان می‌دهد که مفهوم هم‌زیستی در اینجا به معنای انعطاف یا سازش نیست، بلکه به معنای احترام متقابل در عین پایبندی به اصول اساسی است. از این رو، مسلمانان موظف‌اند ایمان خود را حفظ کرده و به توحید دعوت کنند، بدون آنکه در برابر فشارها یا سازش‌های اعتقادی تسلیم شوند.

در تفسیر نمونه، درباره آیه «لَكُمْ دِينُكُمْ وَ لِي دِينِ» چنین آمده است که گاهی تصور می‌شود این آیه با عباراتی نظیر «آیین شما برای خودتان، و آیین من برای خودم» مفهوم «صلح کل» را بیان می‌کند

و اجازه می‌دهد مشرکان بر آیین خود باقی بمانند، زیرا بر پذیرش اسلام اصرار نمی‌کند. اما این برداشت بسیار سست و بی‌پایه است، چرا که لحن آیات نشان‌دهنده نوعی تحقیر و تهدید است؛ به این معنا که آیین شما به خودتان ارزان باد! و به زودی عواقب آن را خواهید دید. برای تأیید این نظر، به آیه ۵۵ سوره قصص استناد شده که می‌فرماید: «وَإِذَا سَمِعُوا اللَّغْوَ أَعْرَضُوا عَنْهُ وَقَالُوا لَنَا أَعْمَالُنَا وَلكُمْ أَعْمَالُكُمْ سَلَامٌ عَلَيْكُمْ لَا تَبْتَغِي الْجَاهِلِينَ». مؤمنان هرگاه سخن لغو بشنوند، از آن روی می‌گردانند و می‌گویند: اعمال ما برای خودمان و اعمال شما برای خودتان؛ سلام بر شما (سلام وداع و جدایی)؛ ما طالب جاهلان نیستیم. این دیدگاه با صدها آیه قرآن مطابقت دارد که شرک را در تمام اشکالش تقبیح کرده و آن را گناهی نابخشودنی می‌داند (مکارم، ۱۳۷۱، ج ۲۷، ص ۳۹۰).

در حقیقت، محتوای این سوره بیانگر تضاد عمیق میان توحید و شرک است. توحید انسان را به خداوند نزدیک می‌کند و رمز وحدت در تمامی ابعاد زندگی است، در حالی که شرک موجب تفرقه و جدایی می‌شود. توحید، انسان را فراتر از محدودیت‌های طبیعت به وجود بی‌پایان الهی پیوند می‌دهد؛ اما شرک، او را به دنیای محدود و موجودات فانی وابسته می‌سازد. از این رو، پیامبر اکرم ﷺ و سایر انبیاء مبارزه با شرک را به عنوان نخستین و مهم‌ترین برنامه خود قرار دادند (همان، ج ۲۷، ص ۳۹۱).

شهید مطهری درباره آیه «لَكُمْ دِينُكُمْ وَ لِي دِينِ» چنین می‌گوید: این آیه خطاب به مشرکان تصریح می‌کند که هیچ‌گونه صلح و صفایی میان اسلام و شرک برقرار نخواهد شد. امید به اینکه مسلمانان به آیین مشرکان بپیوندند یا مشرکان به دین اسلام روی آورند وجود ندارد. مطهری با اطمینان اظهار می‌کند که مخاطبان این آیه، یعنی سران قریش، تا پایان زندگی در شرک باقی ماندند و همان‌ها بودند که در نبردهای بدر و احد و سایر وقایع کشته شدند و از بین رفتند.

وی همچنین تأکید دارد که برداشت برخی افراد از آیه «لَكُمْ دِينُكُمْ وَ لِي دِينِ» به معنای صلح و همزیستی با ادیان دیگر، نادرست است. به زعم او، این آیه به روشنی بیان می‌کند که میان مسلمانان و مشرکان هیچ‌امیدی به سازش یا توافق وجود ندارد. قرآن به مشرکان اعلام می‌کند که هر گروه باید در آیین خود باقی بماند و مشخصاً تأکید دارد که ادیان نباید منشأ جنگ و اختلاف باشند. این آیه تصریح می‌کند که مسلمانان و مشرکان باید در دو سوی جداگانه قرار گیرند و هیچ‌امیدی به تغییر دین یکدیگر نیست. از این رو، قرآن با قاطعیت به مشرکان پاسخ می‌دهد و این آیه را نمی‌توان به معنای بی‌تفاوتی در قبال ادیان دیگر تعبیر کرد (مطهری، ۱۳۸۹، ج ۲۸، ص ۸۰۲-۸۰۳).

د. پیامدهای آیه در تعامل با مخالفان

پیامدهای آیه ۶ در تعامل با مخالفان به شرح ذیل است:

۱. استقلال عقیدتی

آیه ۶ سوره کافرون، «لَكُمْ دِينُكُمْ وَلِيَ دِينِ»، از آیات برجسته قرآن است که به روشنی مرزهای دینی و استقلال عقیدتی را تبیین می‌کند. علامه طباطبایی (ره) در این زمینه بیان می‌دارد: آیه شریفه در مقام این است که بفرماید شما به دین من نخواهید گروید و من نیز به دین شما نخواهم گروید (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۲۰، ص ۶۴۷). این آیه به این معناست که هر فرد یا گروه باید حق انتخاب دین و باورهای خود را داشته باشد.

در آیه ۲ سوره بقره، خداوند می‌فرماید: «ذَلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ» (این است همان کتابی که در آن هیچ شکی نیست، پرهیزگاران را راهنماست). در تفسیر نمونه، ذیل این آیه در توضیح اینکه چرا هدایت مخصوص پرهیزگاران است، آمده که تا زمانی که مرحله‌ای از تقوا (تسلیم در برابر حق و پذیرش آنچه هماهنگ با عقل و فطرت است) در وجود انسان نباشد، بهره‌مندی از هدایت کتب آسمانی و دعوت انبیا ممکن نخواهد بود.

افراد فاقد ایمان را می‌توان به دو گروه تقسیم کرد: گروهی که در جستجوی حق هستند و دارای حدی از تقوا که آنان را به پذیرش حق هدایت می‌کند، و گروهی لجوج، متعصب و هواپرست که نه تنها در جستجوی حق نیستند، بلکه به مقابله با آن می‌پردازند. بی‌شک قرآن و دیگر کتب آسمانی تنها برای گروه نخست مفید است و گروه دوم از هدایت آن بهره‌ای نخواهند برد (مکارم، ۱۳۷۱، ج ۱، ص ۶۸).

در نتیجه، قرآن راهنمایی برای پرهیزگاران است، یعنی کسانی که با آمادگی و تسلیم در برابر حقایق به آن نزدیک می‌شوند. این استقلال عقیدتی به معنای مقاومت در برابر تعصبات و حفظ ایمان در برابر دگراندیشان است. چنین آمادگی‌ای به افراد کمک می‌کند تا از هدایت قرآن بهره‌مند شوند. در واقع، تنها کسانی که عقل و فطرت خود را در جستجوی حقایق به کار می‌گیرند، می‌توانند از آموزه‌های قرآن بهره‌برداری کنند. این تحلیل نشان می‌دهد که استقلال عقیدتی ابزاری کارآمد برای حفظ هویت دینی مسلمانان در برابر چالش‌های فکری و اعتقادی است.

۲. تأکید بر تفکیک دین مسلمانان و کفار

تفکیک دین مسلمانان و کفار، موضوعی است که در متون دینی اسلام، به‌ویژه قرآن کریم، به

وضوح مورد توجه قرار گرفته است. این تفکیک نه تنها به عنوان یک اصل اعتقادی، بلکه به عنوان یک واقعیت اجتماعی و فرهنگی در تاریخ اسلام اهمیت بسزایی دارد. آیه «لَكُمْ دِينُكُمْ وَ لِي دِينِ» به وضوح بیانگر جدایی میان مسلمانان و کفار است. این جدایی نشان‌دهنده تفاوت عقاید بوده و تأکید دارد که مسلمانان با حفظ اصول و اعتقادات خود می‌توانند در کنار کافران زندگی کنند.

در آیه ۲۵۶ سوره بقره، خداوند می‌فرماید: «لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ قَدْ تَبَيَّنَ الرُّشْدُ مِنَ الْغَيِّ فَمَنْ يَكْفُرْ بِالطَّاغُوتِ وَ يُؤْمِنْ بِاللَّهِ فَقَدِ اسْتَمْسَكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَى لَا انْفِصَامَ لَهَا وَ اللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ». این آیه بیانگر این است که ایمان باید بر پایه انتخاب آزادانه باشد، نه اجبار. با وجود این اصل، جدایی میان مسلمانان و کفار نیز مطرح است؛ زیرا مؤمنان با اعتقاد به حقایق دین اسلام، از طاغوت و عقاید باطل فاصله می‌گیرند.

همچنین در آیه ۵۱ سوره مائده، مسلمانان به صراحت از دوستی با یهود و نصاری نهی شده‌اند: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا الْيَهُودَ وَ النَّصَارَىٰ أَوْلِيَاءَ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ وَ مَنْ يَتَوَلَّهُمْ مِنْكُمْ فَإِنَّهُ مِنْهُمْ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ». این نهی تأکید دارد که مسلمانان نباید با یهود و نصاری هم‌پیمان شوند یا در برابر دشمنان بر دوستی با آنها تکیه کنند. شأن نزول این آیه و سایر قرائن نشان می‌دهد که این نهی به مفهوم قطع رابطه تجاری یا اجتماعی نیست، بلکه اشاره به عدم اتحاد یا هم‌پیمانی دارد، مفهومی که در فرهنگ عرب زمان نزول قرآن با اصطلاح «ولاء» شناخته می‌شد.

نکته جالب توجه آن است که در این آیه به «اهل کتاب» اشاره نشده، بلکه از «یهود و نصاری» نام برده شده است. این امر ممکن است نشان‌دهنده این باشد که اگر آنان به کتاب‌های آسمانی خود عمل می‌کردند، هم‌پیمانان مناسبی برای مسلمانان بودند. اما اتحاد آنها بر اساس اغراض سیاسی و دسته‌بندی‌های نژادی شکل گرفته است. دلیل این نهی نیز به‌روشنی بیان شده: «هر یک از آن دو طایفه دوست و هم‌پیمان هم‌مذهب‌های خود هستند» (مکارم، ۱۳۷۱، ج ۴، ص ۴۱۰).

تفکیک میان مسلمانان و کفار نه تنها جنبه مذهبی، بلکه جنبه‌های اجتماعی و سیاسی نیز دارد. جامعه اسلامی وظیفه دارد ارزش‌های خود را حفظ کرده و از تأثیرات منفی دیگر فرهنگ‌ها و عقاید مصون بماند. این تفکیک در طول تاریخ اسلام همواره مورد تأکید بوده و به عنوان راهنمایی برای حفظ هویت دینی، فرهنگی، امنیت و ثبات اجتماعی مسلمانان شناخته شده است.

۳. ایجاد حس هویت دینی و پیامدهای اجتماعی آن

آیه ۶ سوره کافرون «لَكُمْ دِينُكُمْ وَ لِي دِينِ»، به‌روشنی بر حفظ هویت دینی مسلمانان و دفاع از

باورهای آنان تأکید دارد. این آیه به مرزبندی‌های فرهنگی و دینی اشاره کرده و نشان می‌دهد که هر گروهی ضمن احترام به اعتقادات خود، باید دیگران را نیز به رسمیت بشناسد. چنین رویکردی تأثیر مهمی در شکل‌گیری حس هویت دینی مؤمنان و مرزبندی با سایر ادیان دارد.

در همین راستا، خداوند در آیه ۱۰ سوره حجرات می‌فرماید: «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلِحُوا بَيْنَ أَخَوَيْكُمْ وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ»؛ «هر آینه مؤمنان برادرانند؛ میان برادرانتان آشتی برقرار کنید و از خدا بترسید، باشد که بر شما رحم شود».

این آیه یکی از شعارهای بنیادین اسلام است، شعاری عمیق و تأثیرگذار که ارتباط میان مؤمنان را فراتر از دوستی‌های معمول به سطح نزدیک‌ترین پیوند انسانی، یعنی «برادری»، ارتقا می‌دهد. اسلام تمامی مسلمانان را، فارغ از نژاد، زبان یا محل زندگی، به یکدیگر برادر می‌داند؛ حتی اگر یکی در شرق جهان و دیگری در غرب زندگی کند. این برادری نه تنها شعاری لفظی بلکه تعهدی عملی میان آنان است (مکارم، ۱۳۷۱، ج ۲، ص ۱۷۲).

حفظ هویت دینی علاوه بر تقویت رابطه فرد با خدا، اصلاح روابط او با دیگران را نیز به همراه دارد. خداوند بذر محبت و جذب در دل‌ها می‌کارد و این امر باعث می‌شود که فرد در جامعه به‌عنوان شخصی محترم و مورد پذیرش شناخته شود (حسنی، ۱۳۷۸، ص ۱۲۹).

در آیه ۲ سوره مائده نیز خداوند می‌فرماید: «...وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَىٰ وَلَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ»؛ «... و در نیکوکاری و تقوا با یکدیگر همکاری کنید، و در گناه و تجاوز همکاری نکنید». این آیه بر اهمیت تعاون در مسیر نیکوکاری و تقوا تأکید دارد. همکاری در راستای ایمان و عمل صالح، امنیت، آرامش و پیشرفت جامعه را به همراه خواهد داشت. در مقابل، همکاری در گناه و تجاوز، تفرقه، عقب‌ماندگی و تهدید امنیت اجتماعی را به دنبال دارد (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۵، ص ۲۶۶).

در نتیجه، حفظ هویت دینی و همبستگی مسلمانان در برابر مخالفان، نه تنها موجب تقویت پیوندهای اجتماعی و معنوی در جامعه اسلامی می‌شود، بلکه امنیت و توسعه اجتماعی را نیز به ارمغان می‌آورد. از سوی دیگر، تضعیف این هویت و عدم اتحاد، به تفرقه و تهدیدات امنیتی منجر شده و آسیب‌پذیری جامعه را افزایش می‌دهد.

تقویت هویت دینی و انسجام میان مسلمانان، راهی مؤثر برای پیشگیری از تهدیدات و دستیابی به رشد و توسعه پایدار در جوامع اسلامی است.

نتیجه گیری

تحلیل‌ها نشان می‌دهد که آیه ۶ سوره کافرون، با تأکید بر استقلال عقیدتی و تفکیک مرزهای دینی، بیانگر اهمیت حفظ هویت دینی و عدم سازش با اعتقادات غیرمسلمانان است. تأکید بر استقلال عقیدتی، مسلمانان را به ایستادگی در برابر فشارهای خارجی برای سازش با مخالفان دینی فرا می‌خواند و اهمیت حفظ اصول و باورهای اسلامی را یادآور می‌شود.

این آیه نه تنها مرزهای هویتی مسلمانان را در مواجهه با مخالفان دینی مشخص می‌کند، بلکه به چالش‌های اجتماعی و روان‌شناختی که ممکن است در فرآیند سازگاری با محیط‌های چندفرهنگی ایجاد شود، توجه دارد. مسلمانان برای مواجهه با این چالش‌ها نیازمند درک صحیح آموزه‌های دینی هستند تا بتوانند هویت دینی خود را تقویت کنند و در عین حال، روابط مؤثر و سازنده‌ای با دیگران در جوامع متنوع برقرار کنند.

بر این اساس، تحقیق حاضر بر اهمیت استقلال عقیدتی و درک متقابل در کاهش بحران‌های هویتی مسلمانان و توانایی سازگاری با مخالفان تأکید دارد. تقویت هویت دینی نه تنها به پیوندهای اجتماعی و معنوی در جامعه اسلامی کمک می‌کند، بلکه موجب امنیت، پیشرفت و استحکام اجتماعی نیز می‌شود.

فهرست منابع

❖ قرآن کریم

۱. امینی، محمدامین، «اصل همزیستی مسالمت‌آمیز با غیرمسلمانان در اسلام»، مجله معرفت، شماره ۱۶۵، شهریور ۱۳۹۰ ش.
۲. جعفری، علی‌اکبر و عظیمه پابنده، «نقش صلح و همزیستی مسالمت‌آمیز در بازآفرینی حرکت احیایگرانه اسلامی با تکیه بر نظرات امام خمینی»، مجله ژرف‌پژوه، شماره ۸ و ۹، تابستان و پاییز ۱۳۹۵ ش.
۳. چیت‌ساز قمی، محمدجواد، گسست نسلی در ایران: افسانه یا واقعیت، ج ۱، تهران: انتشارات جهاد دانشگاهی، ۱۳۸۳ ش.
۴. حسینی، محمد حسن، نوسازی جامعه از دیدگاه امام خمینی (ره)، چاپ و نشر عروج، ۱۳۷۸ ش.
۵. خانیکی، هادی، هویت در ایران: رویکرد سیاسی اجتماعی فرهنگی و ادبی به هویت و بحران در ایران، ج ۱، تهران: جهاد دانشگاهی، پژوهشکده علوم انسانی اجتماعی، ۱۳۸۳ ش.
۶. طباطبائی، محمد حسین، ترجمه تفسیر المیزان، مترجم موسوی همدانی، محمدباقر، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۳۷۴ ش.
۷. طبری، ابوجعفر محمدبن جریر، جامع البیان فی تفسیر القرآن، بیروت: دارالمعرفة، ۱۴۱۲ ق.
۸. عبدالمحمدی، حسین، تساهل و تسامح از دیدگاه قرآن و اهل بیت، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ۱۳۹۱ ش.
۹. فخرالدین رازی، ابوعبدالله محمدبن عمر، مفاتیح الغیب، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۰ ق.
۱۰. کریمی‌نیا، محمدمهدی، «ادیان الهی و همزیستی مسالمت‌آمیز»، مجله رواق اندیشه، شماره ۲۶، بهمن ۱۳۸۲ ش.

۱۱. کعبی، علی عطیة، همزیستی مسالمت‌آمیز میان ادیان آسمانی، ترجمه: حمیدرضا شیخی، مشهد، آستان قدس رضوی، بنیاد پژوهش‌های اسلامی، ۱۳۹۶ ش.
۱۲. مترجمان، ترجمه مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران: انتشارات فراهانی، ۱۳۶۰ ش.
۱۳. مسترحمی، سید عیسی و محمدیوسف تقدسی، «راهکارهای قرآنی همزیستی مسالمت‌آمیز ادیان»، مجله مطالعات قرآن و علوم، شماره ۱، بهار و تابستان ۱۳۹۶ ش.
۱۴. مطهری، مرتضی، مجموعه آثار، تهران، صدرا، ۱۳۸۹ ش.
۱۵. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ج ۲، ۱۳۷۴ ش.
۱۶. منتظری، حسینعلی، اسلام دین فطرت، تهران، نشر سایه، ۱۳۸۵ ش.
۱۷. موحدی ساوجی، محمدحسن، «همزیستی مسالمت‌آمیز انسان‌ها از دیدگاه قرآن و نظام بین‌المللی حقوق بشر»، مجله حقوق بشر، شماره ۱ و ۲ (پیاپی ۱۷ و ۱۸)، بهار تازمستان ۱۳۹۳ ش.